

# تحلیلی بر تأثیر سیستم حمایتی در کیفیت تغذیه گروه‌های درآمدی ایران\*

دکتر جمشید پژویان

این مقاله کوشش در بررسی وضعیت دریافت ارزش‌های غذایی گروه‌های مختلف درآمدی در شهر و روستا دارد. از آنجا که دوره زمانی انتخاب شده برای مطالعه در فاصله زمانی برقراری سیستم حمایتی دوران جنگ در ایران قرار دارد، این مطالعه می‌تواند چگونگی تأثیر این سیستم حمایتی را نیز بازگو کند. فشرهای آسیب‌پذیر در شهر و روستا با استفاده از بعضی معیارهای ارزش‌های غذایی مشخص، و کالاهای غذایی که مسئول عمده تأمین انرژی و پروتئین و بعضی دیگر از ارزش‌های غذایی بودند نیز معین شده‌اند. همچنین با استفاده از بعضی از معیارهای توزیع، نحوه توزیع ارزش‌های غذایی بین خانوارهای شهری و روستایی مورد بررسی قرار گرفته و در پایان به کالای اساسی نان توجه خاصی شده است.

از دیدگاه تخصیص یا توزیع درآمد برای هر دولت (کوچک، متوسط، بزرگ) وظایفی وجود دارد که مرز آن را کارایی اقتصادی و تعریف دستوری توزیع درآمد تعیین می‌کند. یکی از عمده‌ترین وظایف دولت در تشخیص پیامدهای خارجی<sup>۱</sup> است. به موازات بحث پیامدهای منفی خارجی که عمدتاً به آلودگی‌های همراه با تولیدات صنعتی مربوط می‌شود، پیامدهای مثبت اقتصادی نیز جایگاه بسیار مهمی را اشغال می‌کند.

در هر اقتصاد کالاها و خدماتی وجود دارند که کالا "یادر حد تولید و مصرف مشخصی عامل فایده‌های خارجی یا اجتماعی‌اند. آموزش و بهداشت از گروه کالاها و خدماتی هستند که تولید آن‌ها علاوه بر مصرف‌کننده مستقیم فایده‌ای هم به جامعه می‌رساند و این فایده اجتماعی همیشه وجود دارد. با توجه دقیق به مسأله تغذیه، به نظر می‌رسد که موارد خوراکی ضروری نیز تا حد تأمین نیاز لازم از

\* این مقاله با توجه به نتایج طرح ۱۲۱ معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه شده است. جا دارد که از کارشناسان این طرح که بدون همکاری آنان این کار صورت نمی‌گرفت تشکر کنم؛ به‌خصوص از آقای فرهاد خدادادکاشی که در تهیه این مقاله نیز نقش داشته است.

ارزشهای غذایی علاوه بر فایده‌ای مشخص، می‌تواند فایده‌ای اجتماعی نیز ایجاد کند. کمبود دریافت ارزش‌های غذایی باعث بروز بیماری‌های مختلف و عفونت می‌شود. به دنبال سوء تغذیه، کاهش اشتها، سوخت و ساز نامناسب، و کاهش کارایی بهره‌گیری از همان مقدار کم مواد غذایی دریافت شده نیز بروز می‌کند. به این ترتیب، باید هزینه‌های بهداشت و درمان جامعه افزایش یابد، در حالی‌که عامل کار ناسالم مرتب از بازار کار خارج شده و بار تولید بر دوش بخش کوچک‌تری از افراد جامعه قرار می‌گیرد. این دور فقر مدام ادامه می‌یابد و به علت خروج بخش عمده نیروی کار از بازار کار منابع موجود برای تولید هم کاهش می‌یابد. متخصصین تغذیه نشان داده‌اند که کمبود بعضی از ارزش‌های غذایی، غیر از علائم فیزیکی سوء تغذیه، اثرات قابل توجه دماغی ایجاد می‌کند. عدم توانایی دریافت هوشی در بعضی از کودکان از عمده‌ترین این عوارض است. باید کاملاً به این نکته توجه داشت که اساساً مشارکت تمامی افراد جامعه برای تحقق یک هدف دراز مدت ایجاب می‌کند که افراد از فیزیک مناسب و بنیه جسمی و دماغی برخوردار باشند و در صورتی که بازوهای اجرائی سیاست‌های دراز مدت یعنی مردم کشور فاقد توانایی جسمی و دماغی باشند نه تنها هدف بلند مدت محقق نخواهد شد بلکه منجر به تعمیق فقر می‌گردد. بنابراین، بهبود توانایی‌های فیزیکی و جسمی افراد می‌باید قبل از هرگونه سیاست دراز مدت مطمح نظر سیاست‌گذاران قرار گیرد و این امکان‌پذیر نیست مگر آن که رژیم غذایی مردم کشور در بردارنده مواد مغذی باشد و انرژی، پروتئین و دیگر ارزش‌های غذایی به حد کافی برای آن‌ها تأمین شده باشد. در غالب کشورهای جهان سوم "سوء تغذیه" به شکل مسأله‌ای جدی و شایع در آمده است. برطرف کردن رنج افراد به دلیل سوء تغذیه و همچنین حفظ کیفیت نیروی انسانی و کاهش سوء تغذیه از ارکان اساسی هر نوع سیاست توسعه اقتصادی است و اساساً درک عمومی از سطح سوء تغذیه و شناسایی خصوصیات و عوامل تعیین‌کننده آن و کاهش نسبت به بنیه جسمی و ذهنی افراد جامعه موجب خواهد شد که هدف‌گذاری توسعه اقتصادی به طور واقع‌بینانه‌تری صورت پذیرد. همچنین یک فایده خارجی از رفع فقر تغذیه متوجه جامعه می‌شود. با بررسی سبد مصرفی (اقلام غذایی) گروه‌های مختلف درآمدی این امکان فراهم خواهد شد که قضاوت کنیم چند درصد از مردم کشور یا چند درصد شهرنشینان و روستائیان با مشکل سوء تغذیه روبه‌رو هستند. این روش برخورد با مسأله، اگرچه ممکن است ابزار لازم را برای تشخیص قطعی اقشار آسیب‌پذیر فراهم نسازد، ولی در عین حال این امکان را می‌دهد تا شدت سوء تغذیه نزد شهرنشینان و روستائیان کشور مشخص گردد. به هر حال، اگرچه این روش مشخص نمی‌سازد چه فردی و در کدام منطقه از کشور به حمایت نیاز دارد، ولی ترکیب افراد لازم‌الحمايه را معلوم می‌نماید و در صورت در اختیار داشتن داده‌های خام می‌توان دریافت که اقشار آسیب‌پذیر واجد چه خصوصیات اجتماعی و اقتصادی‌اند. لذا، اعمال سیاست‌های حمایتی سهل‌تر خواهد شد.

در این مقاله قصد آن نیست که در چهارچوب حوزه علم تغذیه قرار گیریم، بلکه صرفاً از دستاوردهای این علم استفاده می‌شود تا مشخص شود چه درصدی از افراد کشور هنوز در گیر نیازهای اولیه زندگی‌اند تا موضع دولت برای حمایت و کمک به آنها مشخص شود. بنابراین، بررسی شرایط تغذیه رهگشایی است برای تصمیم‌گیری در باره نوع سیاست حمایتی و پاسخ به این سؤال که آیا سیاست حمایتی می‌باید مربوط به سوبسید و یا سهمیه‌بندی بعضی از اقلام غذایی باشد و یا جنبه‌های دیگری از زندگی افراد را در برگیرد. براین اساس ملاحظه می‌شود که نتایج حاصل از بررسی وضعیت تغذیه افراد جامعه و تشخیص زمینه‌های سوء تغذیه در کشور در شکل‌گیری سیاست‌های اقتصادی دولت و تخصیص منابع و توزیع مجدد درآمد نقش ویژه‌ای را به عهده خواهد داشت.

تعیین عوامل تبیین‌کننده سوء تغذیه در شهر و روستا قدم مؤثری در شناخت هرچه دقیق‌تر اqtشار آسیب‌پذیر خواهد بود. این امر مستلزم دسترسی به پایگاه اطلاعاتی بودجه خانوار در سال‌های مختلف است. در چنین صورتی معرفی شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی که تبیین‌کننده سوء تغذیه و آسیب‌پذیری است، امکان‌پذیر خواهد بود. در غیر این صورت با توجه به داده‌های موجود که صرفاً در بر دارنده اطلاعات مربوط به مقادیر کلی مصرف و مخارج و توزیع آن در بین دهک‌های مختلف است، تنها می‌توان ترکیب آسیب‌پذیری در شهر و روستا را شناسایی کرد. اگر چه با داده‌های موجود می‌توان معیارها و ملاک‌هایی برای تشخیص اqtشار آسیب‌پذیر و نحوه انتقال کمک به این اqtشار را استخراج کرد، ولی تحصیل معیارها و ملاک‌های دقیق‌تر و جزئی‌تر مستلزم دسترسی به اطلاعاتی است که بتوان براساس آن ویژگی‌های مربوط به اqtشار آسیب‌پذیر را شناسایی کرد و این تنها از طریق پایگاه‌های اطلاعاتی بودجه خانوار امکان‌پذیر است.

### وضعیت تغذیه شهرنشینان و روستائیان در فاصله سال‌های ۶۸ - ۱۳۶۲

در این بخش از گزارش به کمک اطلاعات مربوط به مخارج و مصرف سرانه دهک‌های مختلف درآمدی از اقلام عمده غذایی بحث را پی می‌گیریم. برای بررسی شرایط تغذیه‌ای جامعه و بخصوص اqtشار مختلف، ۳۸ قلم کالا در نظر گرفته شده است. در انتخاب این ۳۸ قلم کالا چند نکته مورد توجه قرار گرفته است. برای مثال، کوشش به عمل آمد تا اقلامی انتخاب شود که در سبد مصرفی فرد شاخص شهر و روستا و بخصوص اqtشار کم درآمد قرار داشته باشد. علاوه براین، سعی بر این بود که هزینه این اقلام درصد قابل توجهی از کل مخارج خوراکی اqtشار کم درآمد را به خود اختصاص داده باشد. برای مثال، در سال ۱۳۶۸ از کل مخارج خوراکی فرد شاخص روستایی ۸۹/۲ درصد (شهری ۸۹ درصد) مربوط به مصرف این اقلام بوده است، و همان‌طور که در جدول شماره ۱ ملاحظه می‌شود، در فاصله سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۸ این نسبت هیچگاه برای شهروندان از ۸۳ درصد و برای فرد شاخص روستایی از ۸۶ درصد کمتر نبوده است. علاوه براین، از کل مخارج خوراکی کم

درآمدترین فرد روستائی (شهری) در فاصله سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۸ همواره بیشتر از ۹۲ (۸۳) درصد مربوط به مخارج اقلام ۳۸ گانه بوده است. به علاوه این، اقلام به ترتیبی انتخاب شدند که حتی‌المقدور نزدیک به تمامی ارزش‌های غذایی دریافت شده توسط فرد متوسط شهری و روستائی و بخصوص اقشار کم‌درآمد تحت پوشش قرار گرفته شده باشد و سپس با استفاده از دستاوردهای علم تغذیه راجع به میزان انرژی، مواد پروتئینی و مواد معدنی موجود در اقلام فوق، میزان پروتئین، کالری، کلسیم و آهنی که به طور سرانه افراد دریافت کرده‌اند محاسبه شده است.

جدول شماره ۱: سهم ۳۸ قلم عمده غذایی در کل مخارج فرد شاخص و کم‌درآمدترین فرد (دهک اول) شهر و روستا (درصد)

	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸
فرد شاخص (روستا)	۸۲	۸۶/۵	۸۶/۳	۹۵/۲	۸۹	۸۹/۲	۸۹/۷
کم‌درآمدترین فرد (دهک اول)	۷۴/۲۲	۹۴/۴	۹۳	۹۴	۹۴	۹۲	۹۴/۷۱
فرد شاخص (شهر)	۸۰/۴	۸۶	۸۸	۹۰	۸۳	۸۹	۸۹/۷۱
کم‌درآمدترین فرد (دهک اول)	۸۰	۸۸/۳	۸۷	۸۸	۸۳/۲	۸۵	۸۶

مأخذ: محاسبات گروه تحقیق.

توضیح: ارقام این جدول توسط کارشناسان طرح ۱۲۱، معاونت امور اقتصادی، وزارت امور اقتصادی و دارائی استخراج شده است.

با استفاده از ماتریس ارزش‌های غذایی کالاهای خوراکی<sup>۱</sup> ۳۸ گانه و ماتریس مقادیر مصرفی این کالاها در دهک‌های مختلف، مقدار دریافت سرانه ارزش‌های غذایی به وسیله دهک‌ها محاسبه شده است. نتایج برای دهک اول، آخر، و متوجه فرد شاخص برای شهر و روستا در فاصله سال‌های

۱. مواد معدنی و ارزش‌های غذایی براساس منابع زیر استخراج شده‌اند:

(الف) «جدول ترکیبات مواد غذایی ایران» انستیتو علوم تغذیه و صنایع غذایی، ۱۳۵۸، شماره ۱۳۱.

(ب) «ترکیبات مواد غذایی» انستیتو علوم تغذیه و صنایع غذایی، خرداد ۱۳۵۷، شماره ۱۳.

۶۸-۱۳۶۲ در جدول‌های شماره ۲ و ۳ نشان داده شده است. با توجه به داده‌های مربوط به مصرف اقلام خوراکی در شهر و روستا مشخص شد که در طی سال‌های ۶۲ تا ۶۸ وضعیت تغذیه شهرنشینان و روستائیان، بخصوص برای اقشار کم درآمد، از ثبات نسبی (صرف نظر از بعضی موارد در بعضی از سال‌ها) برخوردار بوده است. نتایج نشان می‌دهد که مشکل دریافت ارزش‌های غذایی گروه کم درآمد شهری و روستایی به مراتب بیش از مسئله مشابه برای میانگین جامعه یا فرد شاخص است.

جدول شماره ۲: ارزش‌های غذایی موجود در رژیم غذایی روزانه فرد شاخص و اقشار کم درآمد شهری در سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۸.

فرد شاخص							
واحد	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷	۱۳۶۸
کالری	۲۸۱۷/۶۲	۲۷۷۹/۶۹	۲۷۵۸/۷۶	۲۷۳۳/۱	۲۶۱۲/۶	۲۷۵۵/۱	۲۸۲۸/۱۲
گرم	۱۰۶/۲۳	۱۰۱/۴	۹۶/۹۶	۹۳/۳	۹۳/۱۴	۹۳/۵۸	۹۶/۲۴
میلی‌گرم	۱۱۳۹/۸۱	۱۰۶۷/۹۸	۱۰۴۷/۹۳	۱۰۲/۰۶	۹۸۰/۹	۱۰۱۱/۴۱	۱۰۱۷/۶
میلی‌گرم	۶۲/۷۹	۵۸/۲۹	۵۴/۹۹	۴۳/۹۷	۴۸/۶۸	۵۱/۰۸	۵۱/۰۴
میلی‌گرم	۷۱۸/۵	۷۰۱/۴۸	۶۸۲/۶۶	۸۷۰/۲	۶۵۰/۳۷	۶۸۰/۶۵	۷۴۶/۶۲
میلی‌گرم	۳۱۰۳/۰۶	۲۹۱۹/۳۲	۳۰۳/۹۴	۲۹۳۳/۸۴	۲۹۵۸/۱	۳۰۳۲/۶۶	۳۰۸۴/۳۳
میلی‌گرم	۵۳۷/۸۳	۵۳۷/۸۳	۴۵۷/۵۱	۴۶۵/۹۵	۵۰۰/۳۴	۴۰۵/۴۷	۵۰۹/۱۸
فرد کم درآمد							
کالری	۱۴۸۷/۵۲	۱۵۶۴/۸۷	۱۵۴۳/۰۷	۱۴۴۵/۸۷	۱۴۱۵/۲۱	۱۵۷۶/۶	۱۵۹۲/۹۶
گرم	۴۱/۲۷	۴۳/۵۶	۴۲/۱۶	۳۸/۲۶	۳۹/۱۵	۴۴/۷۲	۴۴/۴۹
میلی‌گرم	۴۱۷/۱۴	۴۲۵/۳۹	۳۹۹/۳۲	۳۵۸/۵۵	۳۹۰/۲۱	۴۴۰/۴۹	۴۰۴/۹۵
میلی‌گرم	۲۱/۹۷	۲۲/۸۳	۲۱/۵۱	۲۰/۵۹	۱۹/۵۲	۲۵/۱۴	۲۴/۷۶
میلی‌گرم	۲۹۷/۹۴	۳۱۹/۰۴	۲۸۸/۸۶	۳۸۵/۸۶	۳۰۳/۲۵	۳۳۶/۱۲	۳۵۷/۱۸
میلی‌گرم	۹۶۵/۶۱	۹۴۰/۳۹	۹۶۲/۱۷	۱۰۳۵/۶۳	۱۰۱۱/۶۳	۱۱۰۲/۰۲	۱۰۳۹/۴۶
میلی‌گرم	۲۳۴/۸۹	۲۸۰/۷۷	۲۱۶	۲۰۰/۲۳	۲۴۱/۵۱	۱۷۶/۳۱	۱۸۳/۵۴

مأخذ: محاسبات گروه تحقیق.

جدول شماره ۳: ارزش‌های غذایی موجود در رژیم غذایی روزانه فرد شاخص و اقشار کم درآمد شهری در سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۸.

فرد شاخص							
واحد	۱۳۶۸	۱۳۶۷	۱۳۶۶	۱۳۶۵	۱۳۶۴	۱۳۶۳	۱۳۶۲
کالری	۲۷۹۱/۸	۲۵۵۸/۷	۲۷۵۹/۴۵	۲۵۸۳/۴۴	۲۷۵۴/۴	۲۹۰۰/۷۶	۲۲۰۴/۹۹
گرم	۸۲/۲۲	۸۳/۵۸	۸۴/۱۶	۷۷/۹۴	۸۵/۹	۹۰/۶	۶۸/۳۷
میلی‌گرم	۶۸۸/۹۵	۸۰۷/۹۳	۷۹۷/۷	۶۹۹/۸	۷۹۷/۶	۸۴۴/۳۹	۶۳۵/۹۹
میلی‌گرم	۴۵/۹۱	۴۱/۴۳	۴۲/۴۷	۳۷/۹۶	۴۳/۲	۴۵/۴۱	۳۴/۳۴
میلی‌گرم	۶۲۶/۳	۶۴۲/۲۶	۵۹۰/۷۶	۵۹۹/۶۴	۶۱۹/۱	۶۵۵/۲۴	۵۱۳/۹۹
میلی‌گرم	۱۶۴۶/۵	۱۷۸۳/۵۶	۱۹۱۶/۲۹	۱۹۸۹/۰۵	۱۸۷۱/۴	۱۹۰۲/۱۳	۱۸۲۴/۷
میلی‌گرم	۲۴۴/۰۹	۲۳۴/۸	۲۵۵/۳۵	۳۶۶/۶۸	۲۴۱/۹	۲۷۸/۷	۲۶۲/۲۶
فرد کم درآمد							
کالری	۲۰۳۲/۵۱	۲۰۹۲/۱۱	۱۹۶۳/۲۸	۱۳۳۶/۳۹	۲۲۰۲/۳	۲۱۵۷/۱۹	۱۴۶۸/۶۲
گرم	۵۹/۲۱	۵۷/۷۳	۵۶/۵۵	۳۶/۵۸	۶۳	۶۲/۴	۳۸/۴۱
میلی‌گرم	۴۵۰/۴۲	۵۰۵/۱۶	۴۶۶/۶۱	۲۹۰/۵۱	۵۴۴/۴	۵۵۱/۶۳	۳۴۰/۹۹
میلی‌گرم	۳۲/۳۴	۳۳/۲۷	۳۱/۶۹	۲۲/۹۷	۲۵/۶	۳۴/۹۹	۲۳/۱۳
میلی‌گرم	۴۵۴/۹۳	۴۳۹/۹۷	۴۱۱/۳۵	۳۳۱/۹۳	۴۶۸/۳	۴۴۷/۶۱	۳۵۲/۸۹
میلی‌گرم	۹۳۰/۵	۱۰۰۲/۸	۹۹۳/۷۶	۸۷۱/۱۹	۱۰۱۷/۳	۱۰۰۷/۲	۹۰۴/۸۲
میلی‌گرم	۱۰۰/۷۳	۱۰۵/۸۴	۹۵/۰۷	۹۱/۴۲	۱۲۰/۸	۱۳۰	۱۱۹/۵۴

مأخذ: محاسبات گروه تحقیق.

برای تحلیل نتایج بدست آمده نیاز به یک معیار از ارزش‌های غذایی است که معیار مورد نظر با توجه به توصیه علمی<sup>۱</sup> در جدول شماره ۴ نشان داده می‌شود. نحوه استخراج ارقام جدول شماره ۴ به این صورت است که مثلاً مقدار انرژی روزانه توصیه شده برای مردوزن فعالی که به ترتیب ۳۲۰۰

۱. انستیتو تغذیه و صنایع غذایی.

و ۲۳۰۰ کالری است برای یک خانوار با بُعد پنج نفر با توجه به ترکیب هرم سنی جامعه تعدیل کرده‌ایم.

جدول شماره ۴: ارزش‌های غذایی مورد نیاز هر یک از اعضای یک خانوار پنج نفره  
ایرانی - روزانه

انرژی (کالری)	پروتئین (گرم)	آهن (میلی‌گرم)	کلسیم (میلی‌گرم)
۲۱۶۸	۵۶/۸	۱۱/۳	۵۵۰

همان طور که در جدول شماره ۴ ملاحظه می‌شود، هر یک از اعضای خانوار پنج نفره روزانه به ۲۱۶۸ کالری انرژی نیاز دارد. حال با مقایسه این رقم با مقدار انرژی که روستائیان به طور متوسط در سال ۱۳۶۸ دریافت کرده‌اند، این نتیجه حاصل می‌شود که آن‌ها بیش از نیاز انرژی دریافت کرده‌اند. اگر چنانچه در سیاست‌گذاری غذایی به نتیجه فوق اکتفاء شود، نتایج حاصل از سیاست‌های حمایتی با موفقیت همراه نخواهد بود. زیرا همان‌طور که اشاره شد، رقم مربوط به فرد متوسط روستائی است، چون مازاد انرژی که گروه‌های درآمدی بالاتر نسبت به حد استاندارد دریافت کرده‌اند، کمبود انرژی دریافتی گروه‌های درآمد و اقشار فقیر را جبران کرده تا بدین ترتیب عدد ۲۷۹۱/۸ کالری به طور متوسط برای روستائی حاصل شده است. بنابراین، بررسی عمیق مسأله ایجاب می‌کند که ارزش‌های غذایی دریافتی توسط هر یک از گروه‌های درآمدی مورد توجه قرار گیرد تا سیاست‌گذاری «حمایت از اقشار آسیب‌پذیر» بر اساس اطلاعات کافی صورت پذیرد.

با بررسی مصرف اقلام ۳۸ گانه توسط روستائیان، ملاحظه می‌شود که ارزش‌های غذایی دریافت شده در مقایسه با شهرنشینان از ثبات کمتری برخوردار بوده است. برای مثال، فرد شاخص روستائی در سال ۱۳۶۲ معادل ۲۲۰۴/۹۹ کالری انرژی دریافت کرده است. این رقم در سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۸ از نوسان‌های کاملاً محسوس برخوردار بوده است (جدول شماره ۵). به طوری که در سال ۱۳۶۳ با رشدی معادل ۳۱ درصد نسبت به سال ۱۳۶۲ به ۲۹۰۰/۷۶ کالری انرژی بالغ گشت و پس از آن با افت قابل توجهی به ۲۷۵۴/۴ کالری در سال ۱۳۶۴ کاهش یافت. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، فرد شاخص روستائی در سال ۱۳۶۲ نسبت به سال ۱۳۶۲ معادل ۷۰۰ کالری انرژی بیشتر دریافت کرده است. با بررسی و مقایسه داده‌های بودجه خانوار در سال‌های مختلف ملاحظه شد که میزان مصرف نان خشک در سال ۱۳۶۲ نسبت به سال‌های پس از آن به شدت ناچیز بوده

جدول شماره ۵: شاخص ارزش‌های غذایی دریافتی فرد شاخص روستایی

(دریافتی فرد شاخص شهری = ۱۰۰)

	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸
انرژی	۷۸	۱۰۴	۹۹/۸	۹۴	۱۰۵	۹۳	۹۹
پروتئین	۶۴	۸۹	۸۸/۵	۸۳/۵	۹۰/۳	۸۹/۳	۸۵/۴
آهن	۵۵	۷۸	۷۸/۵	۸۶	۸۷	۸۱	۹۰
کلسیم	۷۱/۵	۹۳	۹۱	۶۹	۹۱	۹۴	۸۴

همان مأخذ

است، به طوری که فرد شاخص روستایی در سال ۱۳۶۲ از مصرف نان خشک معادل ۳/۰۹ کالری انرژی دریافت کرده است؛ در حالی که مقدار مصرف نان خشک در سال ۱۳۶۳ به قدری بوده است که میزان ۷۱۹/۷۵ کالری انرژی برای فرد شاخص روستایی فراهم کرده است. پس از بررسی وضعیت تغذیه فرد شاخص شهری و روستایی، بجاست که بحث را بر مبنای اقشار کم‌درآمد پی‌گیری کنیم. در اینجا منظور از اقشار کم‌درآمد اقشاری است که مجموع مخارج آن‌ها در دهک اول یا دوم واقع شده باشد. با مراجعه به جدول‌های شماره (۲) و (۳) آشکار می‌گردد که میزان انرژی دریافتی توسط اقشار کم‌درآمد شهری (روستایی) از ۱۴۸۷/۵۲ (۱۴۶۸/۶۲) کالری در سال ۱۳۶۲ به ۱۵۲۹/۹۶ (۲۰۳۲/۵۱) کالری در سال ۱۳۶۸ افزایش یافته است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، تغییرات انرژی دریافت شده توسط اقشار کم‌درآمد روستایی کاملاً محسوس است. در حالی که در مورد فرد کم‌درآمد شهری میزان انرژی دریافت شده در فاصله سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۸ از ثبات برخوردار بوده است. انرژی دریافتی اقشار کم‌درآمد روستایی در سال ۱۳۶۳ با رشدی معادل ۴۷ درصد نسبت به سال ۱۳۶۲ به ۲۱۵۷/۱۹ کالری افزایش یافت.

خصلت‌های عمده شرایط تغذیه در شهر و روستا در فاصله سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۸

بررسی‌های انجام شده دلالت بر این دارد که وضعیت تغذیه جامعه شهری و روستایی دارای چند خصلت آشکار است. اولاً فرد شاخص شهری و روستایی در طی سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۸ همواره بیش از حد استاندارد انرژی، پروتئین، آهن دریافت داشته است. برای مثال، فرد شاخص شهری در بدترین شرایط ۲۶۱۲/۶ کالری انرژی (۱۳۶۶)، ۹۳/۱۴ گرم پروتئین (۱۳۶۶) و



۴۳/۹۷ میلی‌گرم آهن (۱۳۶۵) دریافت داشته است که تمامی این ارقام بالاتر از حد استاندارد توصیه شده است. فرد شاخص روستایی هم در بدترین شرایط ۲۲۰۴/۹۹ کالری (۱۳۶۲)، ۶۸/۳۷ گرم پروتئین (۱۳۶۲) و ۲۳/۳۴ میلی‌گرم آهن (۱۳۶۲) دریافت کرده که این موارد همگی بالاتر از حد استاندارد است. برخلاف فرد شاخص شهری و روستایی، اقشار کم‌درآمد شهری و روستایی صرف نظر از آهن همواره ارزش‌های غذایی را در سطحی زیر حد استاندارد توصیه شده دریافت کرده‌اند. اقشار کم‌درآمد شهری در بهترین شرایط ۱۵۹۲/۹۶ کالری انرژی (۱۳۶۸) و ۳۵۸ میلی‌گرم کلسیم (۱۳۶۵) دریافت داشته‌اند که این ارقام کمتر از حد استاندارد توجیه شده است. اقشار کم‌درآمد روستایی صرف نظر از سال ۱۳۶۴ از کمبود انرژی در رنج بوده‌اند و علاوه بر این بجز سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۶۲ در بقیه سال‌ها با مازاد پروتئین مواجه بوده‌اند. این اقشار در بهترین شرایط ۴۶۸/۳ میلی‌گرم کلسیم (۱۳۶۴) دریافت کرده‌اند که کمتر از حد استاندارد است. ویژگی دوم شرایط تغذیه در این است که در فاصله ۶۸-۱۳۶۲ با استثناء مورد انرژی همواره ارزش‌های غذایی دریافت شده توسط فرد شاخص شهری بیش از دریافتی فرد شاخص روستایی است (جدول شماره ۶). برای مثال، پروتئین دریافتی فرد شاخص روستایی در سال‌های ۶۲ و ۶۸ به ترتیب معادل ۶۸/۳۷ و ۸۲/۲۲ گرم است که به ترتیب ۶۴ درصد و ۸۵ درصد پروتئین دریافت شده فرد شاخص شهری در سال‌های ۶۲ و ۶۸ است. فرد شاخص روستایی در سال ۱۳۶۲ تنها ۵۵ و ۷۱ درصد میزان دریافتی فرد شاخص شهری به ترتیب آهن و کلسیم دریافت کرده است.

جدول شماره ۶: شاخص ارزش‌های غذایی دریافتی اقشار کم‌درآمد روستایی

(دریافتی فرد کم‌درآمد شهری = ۱۰۰)

	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸
انرژی	۹۹	۱۳۸	۱۴۳	۹۲/۴	۱۳۹	۱۳۲	۱۲۷/۵
پروتئین	۹۳	۱۴۳	۱۴۹	۹۶	۱۴۴	۱۲۹	۱۳۳
آهن	۱۰۵	۱۵۳	۱۶۵/۵	۱۱۵/۵	۱۶۲	۱۳۲	۱۳۰
کلسیم	۱۱۸	۱۴۰	۱۶۲	۸۶	۱۳۶	۱۳۰	۱۲۷

همان مأخذ

در سال ۱۳۶۸ دریافتی فرد شاخص روستایی از انرژی، پروتئین، آهن، کلسیم به ترتیب معادل ۹۹، ۸۵/۴، ۹۰ و ۸۴ درصد دریافتی فرد شاخص شهری است. صرف نظر از سال‌های ۶۳ و

۶۵ که میزان انرژی فرد روستایی بیش از فرد شاخص شهری است، در بقیه سال‌ها دریافتی روستائیان کمتر از شهرنشینان بوده است.

بررسی آماری فوق مشخص می‌سازد که وضعیت تغذیه روستائیان در مقایسه با شهرنشینان از یک کمبود قابل توجه برخوردار بوده است.

در مجموع ملاحظه می‌شود که فرد شاخص شهری نسبت به فرد شاخص روستائی همواره از تغذیه بهتری برخوردار بوده است (با استثناء مورد انرژی در سال‌های ۶۳ و ۶۶). اما باید در نظر داشت که این ویژگی هنگام مقایسه اقشار کم درآمد شهری و روستایی مصداق ندارد. همان‌طور که در جدول شماره ۶ ملاحظه می‌شود، صرف‌نظر از مواردی همواره تغذیه اقشار کم درآمد روستایی نسبت به اقشار کم درآمد شهری بهتر است. ویژگی سوم شرایط تغذیه جوامع شهری و روستایی در این است که ارزش‌های غذایی دریافتی فرد شاخص شهری از روند نزولی بسیار کم‌شیب برخوردار بوده است و در سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ فرد شاخص شهری و روستایی در مقایسه با سال‌های دیگر در موقعیت نامناسب‌تری قرار می‌گیرد. کمترین میزان پروتئین و آهن دریافتی مربوط به سال ۱۳۶۵ و کمترین میزان انرژی کلسیم مربوط به سال ۱۳۶۶ است.

این امر بی‌ارتباط با کاهش درآمدهای نفتی در سال ۱۳۶۵ نیست. در این سال درآمدهای حاصل از فروش نفت و گاز با افتی معادل ۷۷۱/۹ میلیارد ریال نسبت به سال ۱۳۶۴ به ۴۱۶/۸ میلیارد ریال کاهش یافت (جدول شماره ۷).

جدول شماره ۷: درآمد حاصل از فروش نفت و گاز

(میلیارد ریال)

سال	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸
درآمد نفت و گاز	۱۷۷۹/۴	۱۳۷۳/۲	۱۱۸۸/۷	۴۱۶/۸	۷۶۶/۲	۷۴۹/۵	۷۷۰/۸

مأخذ: بانک مرکزی ایران، اداره بررسی‌های اقتصادی.

با مراجعه به جدول‌های شماره ۲ و ۳ و ملاحظه ارزش‌های غذایی دریافتی، مشخص می‌شود که شرایط تغذیه شهرنشینان و روستائیان در سال‌های ۶۵ و ۶۶ نسبت به سال‌های دیگر نامناسب‌تر است. منتها این ویژگی در نزد فرد شاخص شهری و اقشار کم درآمد شهری در مقایسه با روستائیان با شدت بیشتری به چشم می‌خورد؛ چنان‌که برای مثال میزان انرژی، پروتئین، فسفر، آهن و کلسیم دریافتی اقشار کم درآمد در سال‌های ۶۶ و ۶۵ در مقایسه با سال‌های دیگر در نازل‌ترین سطح قرار دارد. باید توجه داشت که کاهش درآمد نفت در سال ۱۳۶۵ نه تنها تمامی اثرات منفی خود را بر شرایط تغذیه جامعه به یکباره نشان داده بلکه بخش عمده‌ای از این اثرات با یک دوره وقفه و در سال

۱۳۶۶ آشکار شده است.

از آنجا که بین درآمدهای نفتی و درجه فراگیری عرضی و عمقی سیستم حمایتی رابطه مثبت برقرار است، و همچنین نظریه کاهش ارزش‌های غذایی دریافتی توسط شهرنشینان (بخصوص اقشار کم درآمد) در سال‌های ۶۵ و ۶۶ که مقارن با کاهش درآمدهای نفتی است، می‌توان نتیجه گرفت که شهرنشینان در مقایسه با روستائیان نسبت به سیستم حمایتی از حساسیت بیشتری برخوردار است. علاوه بر این، به دلیل وجود سیستم حمایتی فراگیرتر در شهر ملاحظه می‌شود که ارزش‌های غذایی دریافتی شهرنشینان (فرد شاخص و اقشار کم درآمد) نسبت به روستائیان از پراکنش کمتری برخوردار است و این پراکنش کمتر در حقیقت به معنای تضمینی است که سیستم حمایتی برای شهروندان فراهم آورده است. برای مثال، با ملاحظه ارقام جدول شماره ۸ ملاحظه می‌شود که انرژی دریافتی فرد شاخص شهری

جدول شماره ۸: پراکندگی و تغییرات نسبی ارزش‌های غذایی دریافت شده در سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۸ - فرد شاخص

		انرژی	پروتئین	آهن	کلسیم
	SD				
فرد شاخص شهری	انحراف معیار	۶۶/۱	۴/۵۵	۵/۴	۶۶/۹
	(۱)				
	پراکندگی نسبی	۲/۳۹	۳/۶	۱۰	۹/۲
	SD				
فرد شاخص روستایی	انحراف معیار	۲۱۲/۶	۷/۰۵	۳/۰۸	۴۳/۱۸
	پراکندگی نسبی	۸/۰۹	۸/۶	۷/۴	۷/۱

همان مأخذ.

در سال‌های ۶۲ تا ۶۸ از انحراف معیارهای معادل ۶۶/۱ برخوردار بوده است، در حالی که معیار فوق برای فرد شاخص روستایی ۲۱۲/۶ است.

برای آنکه مقایسه دقیق‌تر و با معنا تر باشد از مفهوم پراکندگی نسبی استفاده می‌کنیم. با مراجعه به جدول شماره ۸ ملاحظه می‌شود که پراکندگی نسبی انرژی دریافتی توسط فرد شاخص شهری در

طول سال‌های ۶۲ تا ۶۸ معادل ۲/۳۹ است، در حالی که این شاخص برای فرد شاخص روستایی برابر ۸/۰۹ است. همین ویژگی برای اقشار کم درآمد شهری در مقایسه با روستائیان مشاهده می‌شود، به طوری که پراکندگی نسبی انرژی دریافتی توسط اقشار کم درآمد شهری و روستایی به ترتیب معادل ۴/۲ و ۱۶/۹ است. براین پراکندگی نسبی پروتئین، آهن و کلسیم دریافتی توسط شهرنشینان در سال‌های ۶۸-۱۳۶۲ کمتر از روستائیان است (جدول شماره ۹).

با مقایسه پراکندگی نسبی ارزشهای غذایی دریافتی به این نتیجه دست خواهیم یافت که سیستم حمایتی در ارتباط با ارزشهای غذایی مختلف عمدتاً متوجه تامین انرژی بوده است. برای مثال در مورد فرد شاخص شهری ملاحظه می‌شود که پراکندگی نسبی انرژی (۳/۳) در مقایسه با دیگر ارزشهای غذایی کمتر می‌باشد که به جرات می‌توان اظهار داشت که این امر ناشی از سوبسید فراگیر نان در شهر می‌باشد.

جدول شماره ۹: پراکندگی و تغییرات نسبی ارزشهای غذایی دریافت شده در سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۸ - اقشار کم درآمد.

		انرژی	پروتئین	آهن	کلسیم
SD					
اقشار کم درآمد شهری	انحراف معیار	۶۳/۸۹	۲/۳۵	۱/۹	۳۲/۴۸
	پراکندگی نسبی	۴/۲	۵/۶	۸/۶	۹/۹۳
SD					
اقشار کم درآمد روستایی	انحراف معیار	۳۲۰/۵	۱۰/۳	۴/۹	۵۲/۹
	پراکندگی نسبی	۱۶/۹	۱۹	۱۶	۱۲/۶

توضیح: پراکندگی نسبی براساس فرمول ضریب تغییرات محاسبه شده است که به شرح زیر است:

$$SD = \text{انحراف معیار} X \text{ضریب تغییرات} \times 100 = \frac{SD}{X} \times 100$$

### شکاف تغذیه

درک عمیق‌تر از سوء تغذیه در جوامع شهری و روستایی ایجاب می‌کند که ارزشهای غذایی دریافتی تمام دهک‌های درآمدی (هزینه‌ای) مورد بررسی قرار گیرد تا مشخص گردد که مشکل سوء

تغذیه در ارتباط با کدام یک از ارزش‌های غذایی حادث‌تر است. این بررسی امکان می‌دهد که مشخص کنیم اساساً چند درصد از شهرنشینان و روستائیان کمتر از حد نیاز از ارزش‌های غذایی دریافت کرده‌اند.

با در نظر گرفتن معیار ارزش‌های غذایی جدول شماره ۴ و محاسبه فاصله ارزش‌های دریافتی دهک‌ها در سال‌های مختلف نسبت به معیارهای فوق شکاف تغذیه‌ای برای مواد مختلف به دست می‌آید و مشخص می‌شود که در هر سال چند درصد از جامعه شهری یا روستائی نسبت به ارزش غذایی مورد نظر در زیر حد قابل قبول قرار داشته‌اند. جدول شماره ۱۰ برای انرژی و پروتئین در فاصله سال‌های ۶۲ تا ۶۸ درصد آسیب‌پذیران از کمبود ارزش‌های غذایی را مشخص می‌کند.

جدول شماره ۱۰: شکاف تغذیه در جوامع شهری - در سال‌های ۶۸-۱۳۶۲ روستائی

سال	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷	۱۳۶۸
انرژی	$\frac{۳۰}{۶۰}^*$	$\frac{۴۰}{۱۰}$	$\frac{۳۰}{۱۰}$	$\frac{۳۰}{۷۰}^*$	$\frac{۴۰}{۲۰}$	$\frac{۴۰}{۲۰}$	$\frac{۳۰}{۴۰}$
پروتئین	$\frac{۲۰}{۴۰}^*$	$\frac{۲۰}{۱۰}$	$\frac{۳۰}{۱۰}$	$\frac{۳۰}{*}$	$\frac{۳۰}{۳۰}^*$	$\frac{۲۰}{۱۰}$	$\frac{۲۰}{۱۰}$

همان مأخذ

\* ارقام غیر قابل استناد

(مجدداً یاد آور می‌شود که به علت نااطمینانی به آمار مصرف نان روستا در سال‌های ۶۲ و ۶۵ درصدهای منظور شده قابل استفاده نیست.)

با مقایسه شکاف انرژی در شهر و روستا ملاحظه می‌شود که روستائیان نسبت به شهرنشینان از نظر کسب انرژی در موقعیت مناسب‌تری قرار دارند. البته این نتیجه به مفهوم آن نیست که انرژی دریافتی تمام گروه‌های درآمدی روستائی نسبت به گروه‌های درآمدی متناظر در شهر بالاتر است، بلکه بیانگر آن است که کمبود انرژی در شهر نسبت به روستا گسترده‌تر است و درصد بیشتری از جمعیت را دربر می‌گیرد. اگر کمبود انرژی به عنوان معیاری از سوء تغذیه در نظر گرفته شود، در این صورت شهرنشینان بیشتر از روستائیان در معرض سوء تغذیه قرار دارند.

چرا شکاف انرژی در شهر بیش از روستا است؟ با بررسی ارقام مصرفی شهرنشینان و روستائیان می‌توان به این سؤال پاسخ داد. در میان ارقام غذایی ۳۸ گانه که در این گزارش ملحوظ نظر قرار گرفته‌اند، نان، قندوشکر، چربی‌ها، گوشت در مقایسه با ارقام دیگر از انرژی بیشتری برخوردارند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که بیشترین درصد انرژی کسب شده توسط شهرنشینان و روستائیان و بخصوص اقشار کم درآمد آن‌ها از بابت نان است. برای مثال، در سال ۱۳۶۷ از کل انرژی دریافتی اقشار کم درآمد شهری ۶۱ درصد (روستایی ۷۲/۵ درصد) آن از مصرف نان تأمین شده است. با توجه به این که مصرف نان روستائیان بیش از شهرنشینان است، بنابراین می‌توان از پیش انتظار داشت که اقشار کم درآمد روستایی بیش از اقشار کم درآمد شهری انرژی کسب کرده باشند. برای مثال، در سال ۱۳۶۷ گروه‌های کم درآمد روستایی از مصرف نان ۱۵۱۶/۷ کالری انرژی دریافت کرده‌اند، در حالی که همین اقشار در شهر با مصرف نان ۹۶۵ کالری انرژی دریافت کرده‌اند.

### نقش اقلام عمده غذایی در تأمین ارزش‌های غذایی

بدون شک در طی دوره بررسی، نان مهم‌ترین ماده در تأمین نیاز غذایی شهرنشینان و روستائیان بوده است. ارقام جدول‌های شماره ۱۱ و ۱۲ نشان می‌دهد که نان نه تنها در تأمین انرژی نقش اصلی را به عهده داشته است بلکه پروتئین، فسفر، آهن، کلسیم، پتاسیم افراد کشور در سال‌های ۶۸-۱۳۶۲ عمدتاً با مصرف نان حاصل شده است.

جدول شماره ۱۱: سهم مهم‌ترین اقلام غذایی در تأمین نیازهای غذایی فرد شاخص روستایی

سال	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸
کالری	انواع نان‌ها %۴۷/۶	انواع نان‌ها %۶۱/۴	انواع نان‌ها %۶۱/۹	انواع نان‌ها %۴۴/۵۸	انواع نان‌ها %۵۹/۴	انواع نان‌ها %۶۴/۱	انواع نان‌ها %۵۸/۱
پروتئین	انواع نان‌ها %۴۸/۵	انواع نان‌ها %۶۲/۳	انواع نان‌ها %۶۲/۹	انواع نان‌ها %۴۶/۳	انواع نان‌ها %۶۱/۴	انواع نان‌ها %۶۲/۰۸	انواع نان‌ها %۶۲/۰۸
فسفر	انواع نان‌ها %۲۵/۵	انواع نان‌ها %۴۵/۳	انواع نان‌ها %۴۴/۴	انواع نان‌ها %۲۱/۱	انواع نان‌ها %۴۱/۰۸	انواع نان‌ها %۴۲/۰۵	انواع نان‌ها %۳۶/۹
آهن	انواع نان‌ها %۶۱/۹	انواع نان‌ها %۷۲/۱	انواع نان‌ها %۷۲/۶	انواع نان‌ها %۵۹/۹	انواع نان‌ها %۷۰/۸	انواع نان‌ها %۷۴/۱	انواع نان‌ها %۶۶/۲
کلسیم	انواع نان‌ها %۳۵/۹	انواع نان‌ها %۴۵/۱۵	انواع نان‌ها %۴۵/۷	انواع نان‌ها %۲۴/۱	انواع نان‌ها %۴۵/۶	انواع نان‌ها %۴۲/۸	انواع نان‌ها %۴۹/۶
پتاسیم	انواع نان‌ها %۲۰/۷	انواع نان‌ها %۲۹/۹	انواع نان‌ها %۲۹/۳	انواع نان‌ها %۲۱	انواع نان‌ها %۱۷/۷	انواع نان‌ها %۳۰/۲۹	انواع نان‌ها %۳۶/۳
سدیم	انواع نان‌ها %۴۰/۷	انواع نان‌ها %۴۲/۴	انواع نان‌ها %۴۰/۵	انواع نان‌ها %۵۱	انواع نان‌ها %۴۶/۱	انواع نان‌ها %۳۱/۳	انواع نان‌ها %۴۰/۱

جدول شماره ۱۲: سهم مهم‌ترین اقلام غذایی در تأمین نیازهای غذایی فرد شاخص شهری

سال	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸
کالری	انواع نان‌ها %۳۴/۵۲	انواع نان‌ها %۳۶/۲۳	انواع نان‌ها %۳۵/۳۸	انواع نان‌ها %۳۵/۳۵	انواع نان‌ها %۳۸/۱۹	انواع نان‌ها %۳۷/۴۲	انواع نان‌ها %۴۰/۶۳
پروتئین	انواع نان‌ها %۲۹/۱۷	انواع نان‌ها %۳۱/۶۱	انواع نان‌ها %۳۲	انواع نان‌ها %۳۲/۸۷	انواع نان‌ها %۳۳/۹۲	انواع نان‌ها %۳۴/۹۴	انواع نان‌ها %۳۷/۸۷
فسفر	انواع نان‌ها %۲۰/۱۲	انواع نان‌ها %۲۱/۷۸	انواع نان‌ها %۲۰/۹۹	انواع نان‌ها %۲۱/۴	انواع نان‌ها %۲۱/۰۳	انواع نان‌ها %۲۲/۱۹	انواع نان‌ها %۲۱/۰۱
آهن	انواع نان‌ها %۲۸/۰۷	انواع نان‌ها %۳۱/۳۹	انواع نان‌ها %۳۳/۰۷	انواع نان‌ها %۴۱/۵۱	انواع نان‌ها %۳۸/۴۹	انواع نان‌ها %۳۸/۱۹	انواع نان‌ها %۴۱/۲۲
کلسیم	انواع نان‌ها %۲۴/۷۱	انواع نان‌ها %۲۵/۹۸	انواع نان‌ها %۲۵/۵۹	انواع نان‌ها %۲۰	انواع نان‌ها %۲۶/۹۰	انواع نان‌ها %۲۶/۹۵	انواع نان‌ها %۲۶/۷۴
پتاسیم	انواع نان‌ها %۲۱/۳۴	انواع نان‌ها %۲۳/۴۹	انواع نان‌ها %۲۳/۶۴	انواع نان‌ها %۱۹/۸۵	انواع نان‌ها %۲۲/۹۹	انواع نان‌ها %۲۳/۴۳	انواع نان‌ها %۲۳/۷
سدیم	انواع نان‌ها %۳۶/۱	انواع نان‌ها %۴۳/۶	انواع نان‌ها %۳۷/۴	انواع نان‌ها %۳۰/۴	انواع نان‌ها %۲۷/۵۱	انواع نان‌ها %۲۸/۵	انواع نان‌ها %۳۷/۹۴

فرد شاخص شهری (روستایی) همواره بیش از ۳۴/۵۲ درصد (۵۱/۴ درصد)<sup>۱</sup> انرژی دریافتی خود را با مصرف نان به دست آورده است. سهم نان در تأمین انرژی شهرنشینان در سال ۶۸ به ۴۰/۶ درصد و در تأمین انرژی روستائیان در سال ۶۴ به ۶۱/۹ درصد بالغ گشته است. در دوره مورد بررسی نان همواره بیش از ۳۰ درصد (۴۶ درصد) پروتئین دریافتی شهرنشینان (روستائیان) را تأمین کرده است و حتی تا ۶۲ درصد پروتئین روستائیان نیز توسط نان تأمین شده است. هم‌چنین درصد عمده‌ای از فسفر، کلسیم، آهن، پتاسیم شهرنشینان و روستائیان با مصرف نان حاصل شده است. برنج خارجی عمده‌ترین ماده در تأمین سدیم اقشار شهری و روستایی بوده است.

### اقلام مؤثر در تأمین انرژی اقشار کم درآمد شهری و روستایی

سهم نان در تأمین ارزش‌های غذایی اقشار کم درآمد شهری و روستایی نسبت به فرد شاخص شهری و روستایی عمده‌تر است و همواره در تمامی سال‌ها نان موجب رونق سفره اقشار کم درآمد و تأمین کننده نیروی جسمی آن‌ها بوده است.

انرژی اقشار کم درآمد شهری روستایی در طول دوره مورد بررسی عمدتاً با مصرف نان، قند

۱. سال‌های ۶۲ و ۶۵ برای روستا مورد نظر قرار گرفته‌اند.

و شکر، روغن نباتی، لبنیات، شیر، گوشت قرمز، تخم مرغ، و میوه‌جات تأمین شده است که در این میان مصرف نان بخش عمده‌ای از انرژی این اقشار را تأمین کرده است، به طوری که در این مدت همواره بیش از ۵۳ درصد انرژی اقشار کم درآمد شهری و بیش از ۷۲ درصد انرژی اقشار کم درآمد روستایی را تأمین کرده است. صرف نظر از نان، اقشار کم درآمد روستایی در سال‌های ۶۸-۱۳۶۲ معمولاً ۱۰-۵ درصد انرژی خود را با مصرف قند و شکر، ۱۰-۵ درصد آن را از طریق لبنیات ۶-۳ درصد را از مصرف چربی‌ها به دست آورده‌اند.

اقشار کم درآمد شهری در تأمین انرژی خود معمولاً ۱۲-۹ درصد به قند و شکر، ۱۰-۸ درصد به چربی‌ها (روغن نباتی)، ۶-۳ درصد به گوشت قرمز، مرغ و تخم مرغ، ۵/۳-۲/۵ درصد به لبنیات متکی بوده‌اند.

جدول شماره ۱۳: سهم سیستم حمایتی در تأمین انرژی اقشار کم درآمد شهری و روستایی (درصد)

سال	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸
انرژی تأمین شده با اقلام تحت پوشش سیستم حمایت	شهر ۸۰/۲	۸۲/۴۳	۸۳/۳۱	۸۱/۸۸	۸۰/۶۱	۸۲/۷	۸۲/۵۹
	روستا ۱۷/۷	۹/۵	۱۰/۵	۱۲/۴	۹/۷	۱۳/۶	۹

همان مأخذ

با توجه به ارقام فوق بدیهی است که اقشار کم درآمد شهری در تأمین انرژی مورد نیاز خود در مقایسه با اقشار کم درآمد روستایی به نسبت بیشتری به سیستم حمایتی متکی بوده‌اند. توضیح این امر بسیار ساده است. زیرا اولاً به مصرف نان در شهر کمک بها تعلق می‌گیرد، ولی روستائیان از این مزیت برخوردار نیستند، ثانیاً شهرنشینان تحت پوشش سهمیه‌بندی گوشت قرمز، مرغ، تخم مرغ، قند و شکر، و روغن نباتی بوده‌اند، در حالی که روستائیان فقط از سوبسید قند و شکر و روغن برخوردار بوده‌اند. اقشار کم درآمد شهری همواره ۳۰-۲۱ درصد از انرژی دریافتی خود را با مصرف اقلام سهمیه‌بندی یعنی قند و شکر، روغن نباتی، مرغ، تخم مرغ و گوشت قرمز تأمین کرده‌اند و با احتساب این که اقشار کم درآمد شهری ۶۱-۵۳ درصد از انرژی خود را با مصرف نان تأمین کرده‌اند در مجموع اقشار کم درآمد شهری در دوره ۶۸-۱۳۶۲ حدود ۸۳-۸۰ درصد از انرژی خود را با اقلام تحت پوشش سیستم حمایتی تأمین کرده‌اند.

مصرف اقلام حمایت شده در روستا در سال ۱۳۶۲ حدود ۱۷ درصد انرژی اقشار کم درآمد روستایی را تأمین کرده است و پس از آن یعنی در دوره ۶۸-۱۳۶۳ سهم اقلام حمایت شده در روستا در دامنه ۵/۱۳-۹ درصد قرار می‌گیرد. (جدول شماره ۱۳)



### اقدام مؤثر در تأمین پروتئین اقشار کم درآمد

در بخش قبل ملاحظه شد که نان عمده‌ترین تأمین‌کننده انرژی اقشار کم درآمد شهری و روستایی است. این موضوع در مورد پروتئین نیز مصداق دارد، چرا که همواره ۷۰-۶۲ درصد پروتئین اقشار کم درآمد شهری از نان بوده است. روستائیان برای تأمین پروتئین مورد نیاز خود به میزان بیشتری به نان متکی بوده‌اند، به طوری که حتی در بعضی از سال‌ها تا ۸۴ درصد از پروتئین دریافتی خود را از مصرف نان تأمین کرده‌اند.

نکته جالب توجه سهم ناچیز مرغ، تخم‌مرغ و گوشت قرمز در کل پروتئین دریافتی گروه‌های کم درآمد است. برای مثال، مصرف این اقلام هیچگاه بیش از ۳/۵ درصد پروتئین دریافتی روستائیان را تأمین نکرده است.

مسلماً این امر به دلیل گرانی این اقلام و بیرون بودن آن‌ها از سیستم حمایتی روستا است. آمار فوق در مورد اقشار کم درآمد شهری امیدوارکننده‌تر است. این اقلام مشمول سیستم حمایتی هستند. مصرف گوشت، مرغ و تخم‌مرغ بین ۲۰-۱۰ درصد پروتئین اقشار کم درآمد شهری را تأمین کرده است. لبنیات، حبوبات و شیر نیز در حد ناچیزی پروتئین اقشار کم درآمد شهری و روستایی را تأمین می‌کند. در مجموع در دوره بررسی همواره بیش از ۷۷ درصد پروتئین دریافتی اقشار کم درآمد شهری با مصرف اقلامی چون نان، مرغ، تخم‌مرغ و گوشت قرمز حاصل شده است (جدول شماره ۱۴). بنابراین، عدم گسترش شکاف پروتئین در شهر ناشی از نان ارزان و سهمیه گوشت قرمز، تخم‌مرغ و مرغ بوده است. به عبارت دیگر سیستم، حمایتی مانع گسترش شکاف پروتئین بوده است.

جدول شماره ۱۴: سهم سیستم حمایتی در تأمین پروتئین اقشار کم درآمد شهری

سال	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸
پروتئین تأمین شده با اقلام تحت پوشش سیستم حمایت	۷۷/۹	۸۱/۸۶	۸۲/۲۴	۷۹/۱۲	۷۸/۴۶	۸۲/۱۷	۸۱

همان مأخذ

نکته‌ای را که نباید فراموش کرد، این است که ارقام مربوط به پروتئین دریافتی در شهر و روستا عمدتاً مربوط به پروتئین غیر حیوانی است و در صورت کنار گذاشتن پروتئین تحصیل شده از نباتات تصویر مربوط به توزیع پروتئین در بین دهک‌های شهری و روستایی بسیار متفاوت خواهد بود.

### توزیع ارزش‌های غذایی در شهر و روستا

در اینجا در قالب شاخص‌های نابرابری نگاه اجمالی به نحوه توزیع ارزش‌های غذایی در شهر

و روستا خواهیم داشت. شاخص‌های متعددی برای اندازه‌گیری نابرابری‌ها پیشنهاد شده‌اند، که در اینجا عمدتاً از شاخص ضریب جینی استفاده می‌کنیم.

با محاسبه ضریب جینی توزیع انرژی، پروتئین، کلسیم در شهر و روستا و مقایسه این شاخص بین شهر و روستا ملاحظه می‌شود که در دوره مورد بررسی همواره ضریب جینی توزیع ارزش‌های غذایی در روستا نسبت به شهر مناسب‌تر است. لذا می‌توان نتیجه گرفت که توزیع در روستا عادلانه‌تر است.

ارقام ضریب جینی توزیع انرژی در شهر و روستا بیانگر آن است که در دوره ۶۸-۱۳۶۲ توزیع انرژی بتدریج عادلانه‌تر شده است. ضریب جینی انرژی در شهر تقریباً در فاصله فوق از ۲۳۰۹/۰ به ۲۲۳۰/۰ کاهش یافته است، و برای روستا همین ضریب از سال ۱۳۶۲ به سال ۱۳۶۸ از ۱۶۴۲/۰ به ۱۰۲۲/۰ رسیده است.

هر چند به دلیل ترکیب‌های مختلف که براساس یک مقدار ثابت هزینه خوراکی ممکن است به وجود آید، مقادیر مختلفی از انرژی و پروتئین را می‌توان برای هزینه‌های خوراکی یکسان تصور کرد، ولی در یک سری زمانی مقادیر انرژی و پروتئین دریافتی به وسیله مصرف‌کنندگان می‌تواند معیاری برای اختلاف در درآمد تلقی شود. بنابراین، روند تغییرات ضریب جینی توزیع انرژی و پروتئین در شهر و روستا می‌تواند مؤید توانایی سیستم حمایتی در توزیع مناسب‌تر درآمد باشد.

در این مورد می‌توان به نکته دیگری نیز توجه کرد، به این صورت که ممکن است توزیع درآمد در دو سال مختلف مشابه باشد، ولی به دلیل تغییر ترکیب مصرف یک یا بعضی از گروه‌ها از یک‌سال به سال دیگر توزیع انرژی بین دهک‌های مختلف در این دو سال متفاوت باشد. بنابراین، اگرچه توزیع درآمد در این دو سال مشابه است، ولی توزیع انرژی متفاوت خواهد بود. لذا در چنین حالتی استنباط و درک توزیع درآمد با توزیع انرژی بی‌معنی است. ایراد فوق بجا است، ولی با این حال با در نظر داشتن جوانب احتیاط باز می‌توان از توزیع انرژی یا هر یک از ارزش‌های غذایی دیگر در سری زمانی به توزیع درآمد در طول زمان پی برد. برای مثال، روش فوق در مورد انرژی و پروتئین در مقایسه با توزیع کلسیم و فسفر معنی‌دارتر است. زیرا منبع اصلی تأمین انرژی شهرنشینان و روستائیان نان و چند قلم دیگر است و همواره نان در الگوی مخارج شهری و روستائی نقش بارز خود را حفظ کرده است. بنابراین، تغییرات توزیع انرژی مؤید تغییر در توزیع درآمد است. البته مراد ما از تناظر فوق این نیست که با تغییر درآمد بعضی از گروه‌ها، آن‌ها مصرف نان خود را به شدت تغییر می‌دهند و لذا توزیع انرژی مشابه توزیع درآمد تغییر می‌کند<sup>۱</sup> بلکه منظور این است که برای مثال با افزایش درآمد بعضی از گروه‌ها، این امکان برای آن‌ها فراهم می‌شود که مواد انرژی‌زای دیگری را نیز مصرف کنند.

۱. در مقاله دیگری تحت عنوان «کالاهای ضروری در سبد هزینه خانوار» کشش درآمدی نان بسیار نازل و نزدیک به صفر محاسبه شده است. این مقاله هنوز منتشر نشده است.

بر این اساس توزیع انرژی دستخوش تغییر می‌شود. حال اگر چنانچه در صدد باشیم از نحوه تغییرات توزیع کلسیم و فسفر، سیستم حمایتی را ارزیابی کنیم، درصد خطا بسیار بالا خواهد بود، زیرا همان‌طور که قبلاً ملاحظه شد، سهم نان در تأمین کلسیم و فسفر اگرچه بالاست ولی در مقایسه با انرژی و پروتئین این سهم ناچیز است و افراد با مصرف اقلام غذایی مختلف فسفر و پروتئین دریافتی خود را به دست آورده‌اند و لذا هیچ بعید نیست که در طول یک سری زمانی روند تغییرات توزیع درآمد متفاوت از تغییرات توزیع فسفر و انرژی باشد. البته لازم به یادآوری است، حتی اگر فسفر و کلسیم دریافتی از دامنه وسیعی از کالاها تأمین شده باشد باز نمی‌توان همبستگی توزیع درآمد و توزیع فسفر و کلسیم را انکار کرد. ولی مع‌هذا ضریب همبستگی این دو توزیع با توزیع درآمد در مقایسه با ضریب همبستگی توزیع انرژی و پروتئین با توزیع درآمد بسیار کوچک‌تر است.

بنابراین، روند تغییرات ضریب جینی توزیع انرژی، پروتئین در شهر و روستا (بخصوص شهر) می‌تواند مؤید توانایی سیستم حمایتی در توزیع عادلانه‌تر درآمد باشد، در حالی که ضریب جینی توزیع فسفر و کلسیم کمتر دارای چنین ویژگی‌ئی است. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، ضریب جینی توزیع انرژی در شهر و روستا از یک روند نزولی برخوردار بوده است، هر چند که ضریب جینی روستا از نوسان‌هایی نیز برخوردار بوده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در این دوره سیستم حمایتی در کاهش نابرابری انرژی بخصوص در شهر موفق بوده است. از آنجا که به مصرف نان در روستا کمک بها پرداخت نمی‌شود، لذا سهم سیستم حمایتی در کاهش ضریب جینی توزیع انرژی عمدتاً از کانال قند و شکر، چربی‌ها و برنج اعمال شده است و لذا نقش مثبتی سیستم حمایتی در شهر بیش از روستا است و به همین دلیل است که ضریب جینی توزیع انرژی در روستا از نوسان برخوردار بوده است.

مقایسه ضریب جینی توزیع پروتئین در روستا و شهر نیز توزیع عادلانه‌تر پروتئین در روستا را به نمایش می‌گذارد، این شاخص هم در روستا و هم در شهر از یک روند نزولی برخوردار بوده است. در مجموع، با ملاحظه شکاف‌های تغذیه و بررسی شاخص‌های نابرابری توزیع ارزش‌های غذایی می‌توان اظهار داشت که سیستم حمایتی بر شرایط تغذیه اقشار کم درآمد شهری (و تا اندازه‌ای روستائی) تأثیر مثبت داشته است. البته مراد از تأثیر مثبت، بهبود شرایط تغذیه جامعه شهری و روستائی و بخصوص اقشار کم درآمد نیست<sup>۱</sup> بلکه از آنجا که در طی دوره بررسی، سیاست‌های تثبیت درآمدی و شرایط تومی ملازم یکدیگر بوده‌اند، لذا پایداری در ارزش‌های غذایی دریافتی اقشار کم درآمد و همچنین پایداری شکاف‌های تغذیه‌ای در طول دوره مورد بررسی (بخصوص در شهر) ناشی از سیستم حمایتی بوده است. سیستم حمایتی عمدتاً در جهت تثبیت توزیع انرژی، پروتئین، فسفر، و کلسیم در شهر بوده است. ملاحظه ضریب جینی توزیع ارزش‌های غذایی در شهر و روستا

۱. ارزش‌های غذایی دریافتی اقشار کم درآمد شهری و روستا در دوره بررسی تقریباً پایدار بوده است.

مؤید آن است که این شاخص در شهر از ثبات نسبی برخوردار بوده است. این امر دقیقاً اشاره به نقش سیستم حمایتی در تثبیت وضعیت غذایی شهرنشینان خصوصاً تأثیر مؤثر آن در حفظ توزیع انرژی دارد. با ملاحظه ارقام جدول شماره ۱۵ صحت این ادعا اثبات می‌گردد. در طی مدت مورد بررسی همواره پراکندگی نسبی ضرایب جینی شهر کمتر از روستا بوده است. برای مثال، همان طور که ملاحظه می‌شود، پراکندگی نسبی ضریب جینی توزیع انرژی در شهر معادل  $0/029$  و در روستا معادل  $0/027$  است. به عبارت دیگر، به دلیل وجود سیستم حمایتی در شهر، توزیع انرژی در مقایسه با روستا از نوسان کمتری برخوردار بوده است. همچنین این ویژگی در توزیع فسفر، پروتئین و کلسیم نیز دیده می‌شود. نکته جالب توجه این که پراکندگی نسبی ضریب جینی توزیع انرژی در شهر در مقایسه با پراکندگی نسبی این شاخص برای فسفر، کلسیم و پروتئین (چه در شهر و چه در روستا) کوچک تر است که این امر نشانه تثبیت توزیع انرژی در شهر است.

جدول شماره ۱۵: پراکندگی نسبی ضریب جینی توزیع ارزش‌های غذایی در دوره ۶۸-۱۳۶۲

	کلسیم	فسفر	پروتئین	کالری
شهر	۰/۰۴۶	۰/۰۳۳	۰/۰۲۳۲	۰/۰۲۹۳
روستا	۰/۰۲۱۴	۰/۰۲۴	۰/۰۲۸۸	۰/۰۲۷۷

توضیح: پراکندگی نسبی براساس مفهوم ضریب تغییرات محاسبه شده است.

ارقام جدول فوق همچنین بیانگر تأثیر مثبت سیستم حمایتی در تثبیت نسبی توزیع پروتئین، فسفر و کلسیم در شهر است.

بنابراین، بحث فوق دلالت بر این دارد که الگوی غذایی اقشار کم درآمد در دوره ۶۸-۱۳۶۲ به شدت وابسته به نان و پس از نان متکی به قند و شکر، روغن نباتی، گوشت و مرغ و تخم مرغ و لبنیات و برنج بوده است. همچنین بخش قابل توجهی از فسفر، انرژی و کلسیم دریافتی این اقشار توسط اقلام فوق تأمین می‌شود. تمامی اقلام فوق جایگاه ویژه‌ای در سیاست‌های حمایتی داشته‌اند و مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که این اقلام سهم عمده‌ای از مخارج خوراکی گروه‌های کم درآمد را به خود اختصاص داده‌اند و به عبارت دیگر در زمره کارهای ضروری قرار دارند. در اینجا با توجه به اهمیت ویژه نان به بررسی اجمالی آن می‌پردازیم.

### وضعیت خاص نان

نان همواره از مهم‌ترین و از اقلام استراتژیک مصرفی خانوارهای شهری و روستایی است و

## ۵۴ پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی

در برنامه دولت‌ها بخصوص در کشورهای در حال توسعه توزیع نان به قیمت مناسب و ارزان از اولویت درجه اول برخوردار است.

در وضعیت کنونی اقتصاد ایران نان از دو جهت اهمیت بسیار زیادی دارد. نخست این که نان از اقلام عمده دریافت ارزش‌های غذایی خانوارهای فقیر است و ضریب اهمیت آن در سبد این خانوارها کاملاً متمایز از کالاهای خوراکی دیگر است. نکته دوم این که از بار هزینه سوبسید و هزینه فرصت ارز تخصیص یافته به خرید نان از خارج برخوردار است که با توجه به اتلاف آن در مصرف، مسئله‌ای به نام نان را به وجود آورده است.

در مورد اهمیت و نقش نان در تأمین کالری و پروتئین خانوارهای کم درآمد در صفحات گذشته صحبت شده است. برای درک بیشتر این موضوع در اینجا مختصراً به نحوه توزیع نان و سپس اهمیت آن در تأمین نیازهای غذایی اشاره می‌شود.

در طول سال‌های مورد بررسی هیچ کالایی مناسب‌تر از نان چه در شهر و چه در روستا توزیع نشده است، همچنین هیچ کالایی در شهر و روستا اهمیت نان را در سبد خوراکی قشر فقیر نداشته است. در جدول شماره ۱۶ برای سال‌های ۶۲ تا ۶۸ ضریب جینی مصرف نان به همراه سهم ۱۰ درصد فقیر نحوه توزیع نان را مشخص می‌کند. سهم کالای نان در مخارج خوراکی دهک اول در

جدول شماره ۱۶: ضریب جینی\*، سهم ۱۰ درصد فقیر و سهم نان در هزینه خوراکی شهر و روستا در

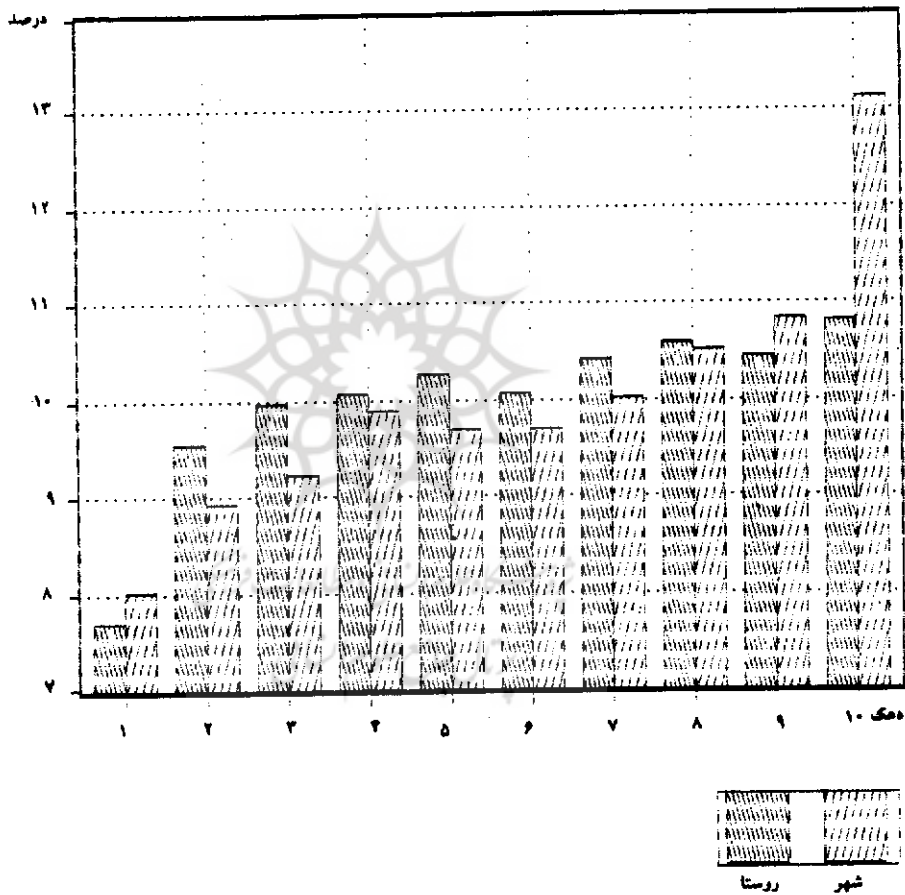
۶۲ - ۱۳۶۸

	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷	۱۳۶۸
ضریب جینی	۰/۰۷۵	۰/۰۸۱	۰/۰۷۲	۰/۰۹۱	۰/۱۰۳	۰/۰۶۵	۰/۰۷۴
سهم ۱۰ درصد اول (درصد) شهر	۷/۲۲	۷/۷۲	۸/۰۶	۷/۸۵	۷/۹	۹/۹۴	۸/۰۸
سهم کالا در مخارج خوراکی دهک اول (درصد)	۲۱/۶۵	۲۳/۲	۲۴/۱۴	۲۳/۱۷	۲۱/۴	۲۰/۶۸	۱۸/۶۱
ضریب جینی	%۵۵	%۴۷	%۲۶	%۱۷۰	%۴۵	%۵۴	%۶۴
سهم ۱۰ درصد اول (درصد) روستا	۷/۸	۸/۰۹	۸/۸۵	۴/۹۸	۸/۱	۸/۰۴	۷/۶۹
سهم کالا در مخارج خوراکی دهک اول (درصد)	۵۴/۸	۵۲/۰۱	۴۹/۶۶	۴۰/۰۶	۴۷/۸۶	۴۵/۷۹	۴۲/۵۸

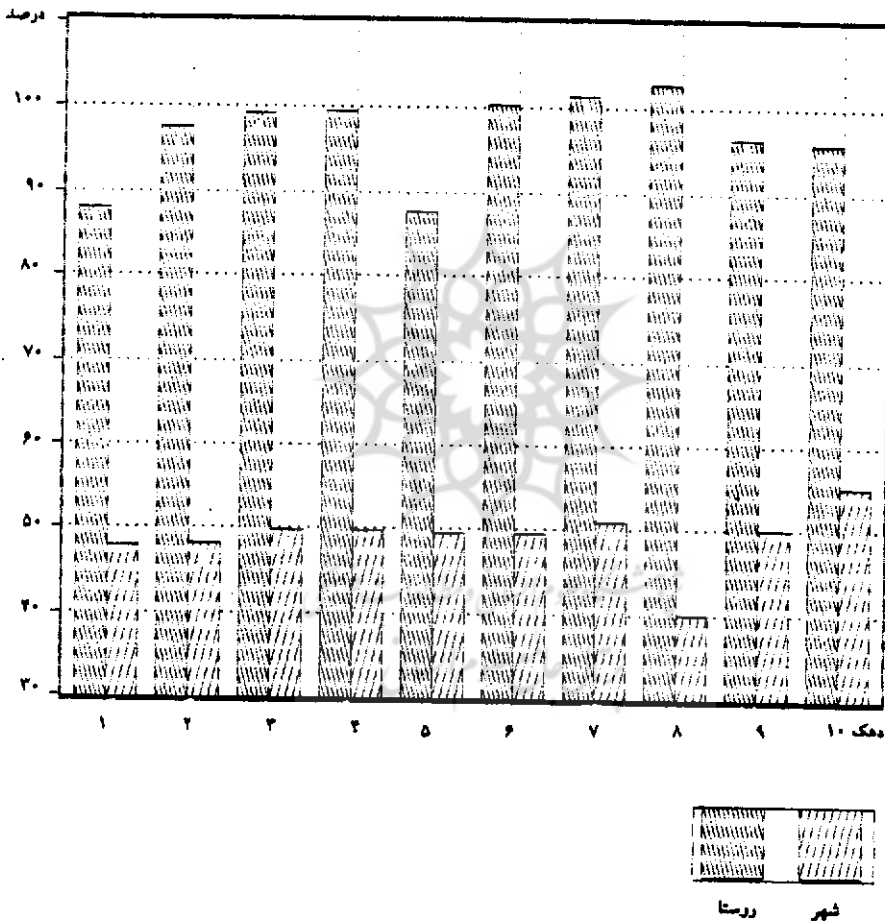
مأخذ: محاسبات گروه تحقیق

\* توجه شود که ضریب جینی در اینجا به علت نبود آمار لازم برای نان به طور مجزاً براساس دهک درآمدی محاسبه شده است.

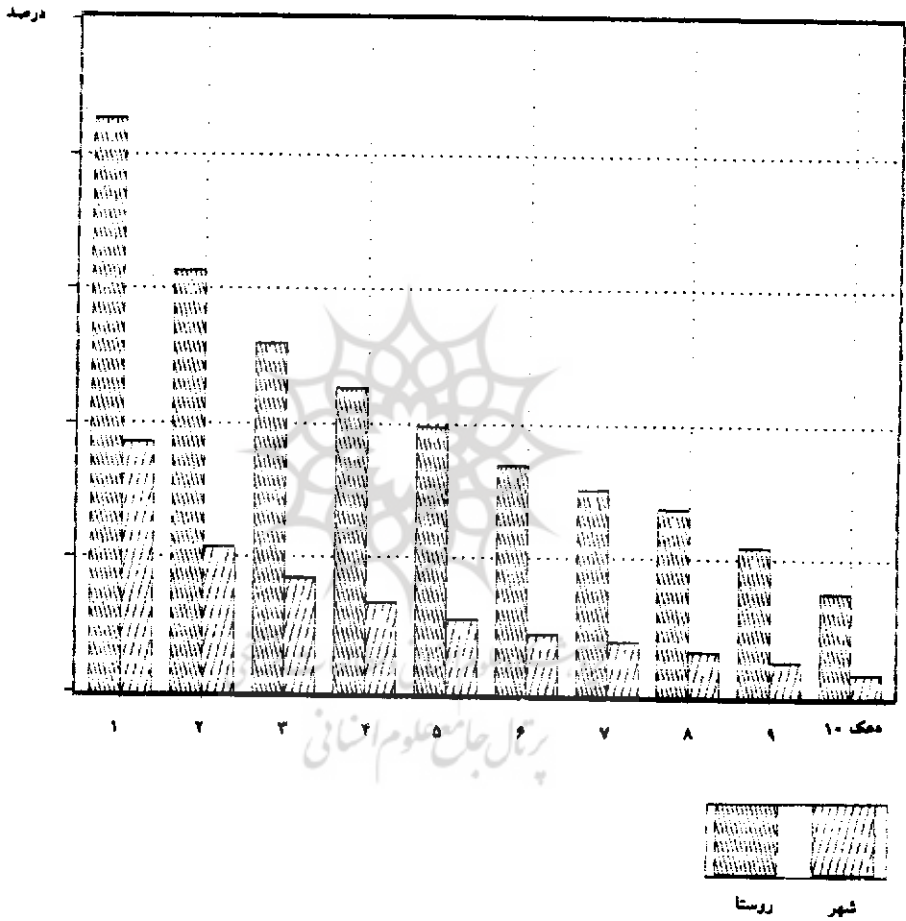
نمودار شماره ۱: سهم خرید نان هر دهک از کل خرید (۱۳۶۸)



نمودار شماره ۲: قیمت ضمنی نان در شهر و روستا (۱۳۶۸)

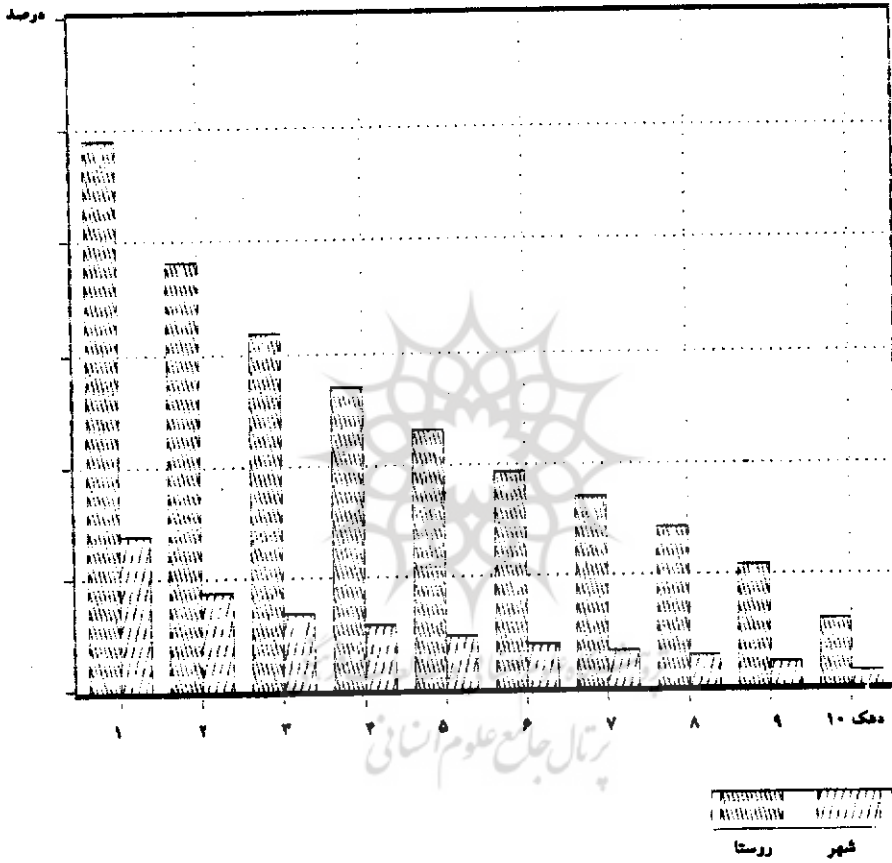


نمودار شماره ۳: سهم هزینه نان به هزینه‌های خوراکی در شهر و روستا (۱۳۶۸)





نمودار شماره ۴: سهم هزینه نان به هزینه کل در شهر و روستا (۱۳۶۸)



شهر و روستا یکی از عوامل عمده نشان دادن اهمیت نسبی نان در سبد خوراکی این خانوارها است. در روستا سهم هزینه نان از هزینه‌های خوراکی دهک اول در طول سال‌های پیش گفته در حدود ۴۰/۰۶ تا ۵۴/۸ درصد بوده است که درجه اهمیت را نشان می‌دهد.

هرچند که، با توجه به ضرایب جینی، نان بسیار برابر توزیع شده است، ولی از دو جهت نمی‌توان ادعا کرد که این توزیع به معنای توزیع عادلانه است. نخست این که اگر نان در شهر و روستا توزیع نسبتاً برابر دارد (نمودار شماره ۱ توزیع نان در شهر و روستا را در سال ۶۸ نشان می‌دهد)، ولی در توزیع بین شهر و روستا چنین نیست. چنانچه قبلاً آمده است. این اختلاف ناشی از عدم انتقال سوبسید بابت نان به روستا نشینان است (یا حداقل به اندازه شهر نیست). تفاوت توزیع نان در شهر و روستا با توجه به قیمت‌های ضمنی این کالا در این دو منطقه کاملاً مشخص است. قیمت ضمنی متوسط نان برای شهر نشینان ۴۸/۹۲ ریال است که با توجه به همین قیمت برای روستا (۹۶/۹ ریال) شهر نشینان حدود ۴۴ درصد نان را ارزان‌تر خریداری می‌کنند. نمودار شماره ۲ قیمت‌های ضمنی نان برای دهک‌های مختلف در شهر و روستا را در سال ۶۸ نشان می‌دهد.

نکته دوم در سهم هزینه کالای نان در هزینه‌های خوراکی و هزینه کل گروه‌های مختلف درآمدی است. نمودارهای شماره ۳ و ۴ برای آمار سال ۶۸ نشان می‌دهند که چگونه با حرکت از وضعیت دهک اول به دهک دهم سهم هزینه نان بخصوص در شهر به سرعت کاهش می‌یابد. دهک کم درآمد شهری ۱۸/۶ درصد هزینه‌های خوراکی خود را روی نان انجام می‌دهد، در حالی که همین نسبت برای دهک دهم (پر درآمد) ۱/۶ درصد است. نسبت‌های مشابه برای روستا به ترتیب برای دهک اول و دهم برابر ۴۲/۵ و ۷/۶ درصد است.

هرچند که نان از جهت مصرف باید یک کالای پست باشد، یعنی با افزایش درآمد تقاضای آن کاهش یابد، ولی آمار موجود برای ایران این سهم را نشان نمی‌دهد. با توجه به مصرف نسبی بالای عمده کالاها به وسیله دهک ثروتمند و حداقل با در نظر گرفتن حجم معده می‌توان نشان داد که بخش قابل توجهی از خرید نان به وسیله اقشار ثروتمند مصرف نشده بلکه اتلاف می‌شود. این موضوع به دو دلیل یکی قیمت نازل نان و دیگری هزینه صف<sup>۱</sup> برای ثروتمندان اتفاق می‌افتد. هزینه اسراف در خرید نان که عمدتاً ناشی از قیمت بسیار ارزان و نوع نان سنتی است، برای کل جامعه بسیار گران است، از طرف دیگر هرگونه افزایش در قیمت نان قبل از پیش‌گیری عواقب آن لطمه جبران ناپذیری به وضعیت تغذیه فقرا خواهد زد.

اهمیت ضربه افزایش قیمت نان با توجه به سهم نان در تأمین مواد غذایی مشخص می‌شود که

۱. به طور سنتی در ایران نوع نان به صورتی است که تازه آن لذیذ است. در نتیجه، در ساعات نزدیک صرف غذا در فروشگاه‌های نان ایجاد صف می‌شود. ثروتمندان بیشتر از اقشار دیگر، برای اجتناب از مراجعه مجدد به صف برای وعده بعدی از مقدار نیاز خریداری می‌کنند.

بارها از آن یاد شده است، با توجه به محاسبات انجام شده در سال ۶۸ روستانشینان فقیر ۷۲/۹ درصد کالری دریافتی را از نان گرفته‌اند که این رقم برای شهرنشینان برابر ۶۱ درصد است.

### نتیجه

در سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۸ سیستم حمایتی توانسته است که حداقل وضعیت تغذیه جامعه را تا حدودی قابل قبول ثابت نگه دارد. اما این سؤال مطرح است که با چه هزینه‌ای این مهم صورت گرفته است. آنچه که مسلم است، این که دولت برای حفظ وضعیت غذایی قشرهای فقیر بخش قابل توجه از سوبسید و شاید سهم بیشتر را به غیر نیازمندان و ثروتمندان پرداخته است. مورد نان که در بالا شرح داده شد، نمونه‌ای از این نکته است.

### فهرست منابع

#### الف) فارسی

جدول ترکیبات مواد غذایی ایران: جلد اول، انتشارات انستیتو علوم تغذیه و صنایع غذایی ایران، شماره ۱۳۱، ۱۳۵۸، ترکیبات مواد غذایی، انستیتو علوم تغذیه و صنایع غذایی، شماره ۱۳۰، خرداد ۱۳۵۷  
درآمد و هزینه خانوار کارگری ۵ نفره و حداقل سبد هزینه در سال ۱۳۶۷، معاونت طرح و برنامه، اداره کل آمار و مطالعات نیروی انسانی، ۱۳۶۷.  
گزارش مقدماتی طرح شناسایی افشار آسیب‌پذیر (کارگران)، معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، اردیبهشت ۱۳۷۰.

#### ب) انگلیسی

Helena, Ribe., "How Adjustment Programs Can Help the Poor: The World Bank, s Experience ", World Bank Discussion Papers , No.71, 1990.  
World Bank, " Targeted Program for the Poor During Structural Adjustment ", A Summary of a Symposium on Poverty and Adjustment , April 1988.  
Courtesy of the Food and Nutrition Board, National Research Council , Washington D.C.  
Food and Nutrition Board , National Academy of Science , National Research Council Recomendated Revized, 1989.  
A.B.Atkinson, "On the Measurement of Inequality", *Journal of Economic Theory*, No.2, 1970, pp. 244-263.